

## نگارش گزینشی تاریخ ایران، به خاطر سپاری و تمرکز بر جنبه‌هایی از آن، در عین فراموشی و حذف جنبه‌هایی دیگر، پاسخ صریح به پرسش چگونگی گسترش دین اسلام در ایران را با مشکل مواجه می‌کند.

اصلی اندیشه‌ها، ادعا و وانمود کردند که اراده و حکم خدا بر این است که حاکمان زیربیرق اسلام بر منصب قدرت تکیه بزنند. این چنین بود که «به خاطر سپردن» و «فراموش کردن گزینشی تاریخ»، ابزاری برای صاحبان قدرت شد، به طوری که تا به امروز تمیز میان حق و ناحق بسیار دشوار است. از آنجا که صاحب منصبان جدید دائم در هراس بودند که مردم به پس گرفتن قدرت و بازگشت به ایران پیش از اسلام، تمایل پیدا کنند، به سختی تلاش کردند تا گذشته هرگز به طور کامل نشان داده نشود.<sup>۱۳</sup>

از آنجایی که تمرکز این کتاب به بازنگری‌ها و مذاکرات مجددی است که اسلام را برای نوکیشان ایرانی به هویتی پیچیده و معنادار تبدیل کرد، ساوانت در پژوهش خویش سعی می‌کند تا از برخی واژگان از جمله «پارس» که در اواخر دوره ساسانی شامل استان فارس و فراتر از آن می‌شد، در مقایسه با مفهوم «ایران» و «ایران‌شهر» رفع ابهام کند. در نتیجه این قیاس و در تعریفی که او از ایران ارائه می‌دهد؛ ایران، فلاتی است یکپارچه با زبان و فرهنگ مشترک میان اقوام ایرانی که در آن وابستگی منطقه‌ای قوی‌تر از وفاداری‌های پان ایرانیستی بوده است، در حالی که هویت اصلی که سراسر مناطق ایران را در برمی‌گرفت «فارسی» بود، در اوایل دوره اسلامی به «پارس» و «پارسی» اشاره شده است. از این رو «پارس‌ها» به بخشی از دینی جهانی پیوند خوردند و پیوندی که قبلی آنها با دین زرتشت و وارثان حکومت امپراتوری و طبقه نخبگان گسسته شد.<sup>۱۴</sup>

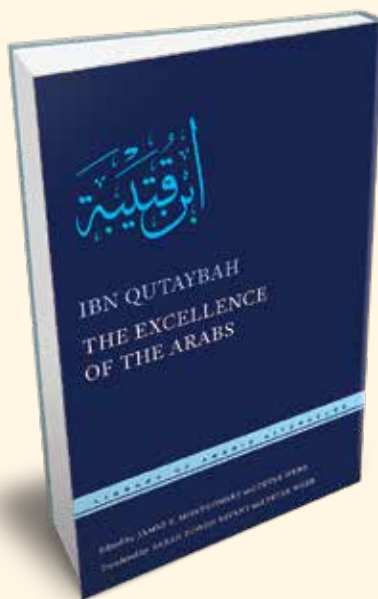
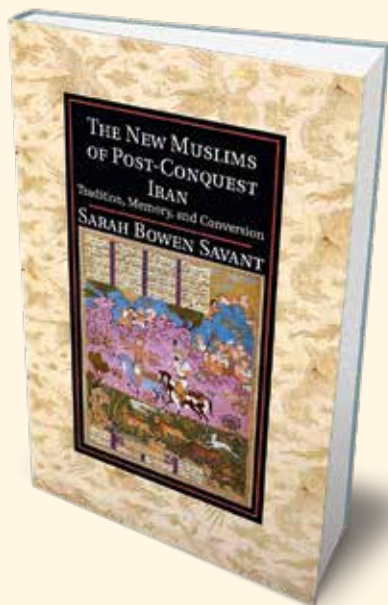
ساوانت از یک سو، بر روایت‌های فرهنگی و قانون و اقتصاد پیش از اسلام تأکید کرده و آن‌ها را تهدید کننده موقعیت مسلمانان اولیه ایرانی دانسته است که باید به فراموشی سپرده می‌شد و از سوی دیگر، خاطر نشان می‌کند که این اقدام به صورت منطقی با هویت‌های اکتسابی جدید اسلامی پیوند خورده بود.

آنچه پیش از همه در پژوهش پیش رو حائز اهمیت است، هدف

مطابق با ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی و در جهت تثبیت آنها، به راحتی صورت گرفته است.<sup>۱۵</sup> از فحوای کلام ساوانت این معنا به ذهن متبادر می‌شود که گذشته اساساً معمایی از اطلاعات گوناگون منابع و دیدگاه‌های مختلف است که توسط راویان جمع‌آوری و ویرایش شده و به گونه‌ای شکل می‌گیرد که کمترین تأثیر منفی را بر ایران پس از اسلام داشته باشد. این تغییر شکل گذشته، با صحنه‌نهادن برای ایرانیان و میراث و فرهنگ آنها، همچون تبلیغات عمل کرده، به گونه‌ای که به راحتی بتوان بخش‌هایی از تاریخ را پنهان و فراموش کرد که به نفع حاکمان اسلامی نبود. این شکل‌گیری و تغییر کند تاریخ، در سال‌ها و قرن‌های بعد، از ایران پیش از اسلام و فرهنگ و حاکمان آن، تصویری مملو از خلاقاری، خشونت و استبداد ترسیم کرد.

نویسنده بر این باور است که گزارش‌های تاریخی گذشته ایران به عنوان سرزمینی سراسر مایوس کننده که اسلام و ارزش‌های مثبت، آن را رهایی بخشیده است، در طول قرن‌ها پنهان‌کاری و تعبیر، روایاتی نوراشکل داد و در نهایت تصویری ساختگی پدید آمد که حقایق و روایات کاذب آن قابل تمیز و تشخیص نبود؛ بلکه سراسر در جهت اثبات حقانیت اسلام بود. در گزارش‌های دستخوش تغییر و فراموشی اذعان می‌شود که ایران در اواخر دوره ساسانیان وضعیت چندان مناسبی نداشته و مردم از وضع موجود، تبعیض‌ها و ظلم و ستمی که بر آنها رومی شد ناراضی بودند، این ناراضی با گسترش اسلام به خارج از مرزهای عربستان مصادف شد.<sup>۱۶</sup>

در پی اقدامات نظامی اعراب و تسلط ایشان بر تاج و تخت کشور، در تمام سال‌ها، قرن‌ها و سلسله‌های بعد با همکاری گروه‌هایی از ایرانیان، تاریخی خیالی پدید آمد که به نفع فرمانروایی حاکمان مسلمان بود. از این رو، ساوانت استدلال می‌کند، راویان و طبقه حاکم و تأثیرگذار جامعه اعم از عرب‌ها و ایرانیان، به منظور حفظ جاه و مقام به عنوان حاکمان درستکار و مشروع؛ و با استفاده ابزاری از دین به مثابه هسته



برتری اعراب

ترجمه فضل العرب و التنبيه العلمیه  
از ابن قتیبہ توسط سارا بون ساوانت.